

رفیق عزیز و گرامی آزاد خوانچه زر از میان ما رفت!

صفحه ۳



پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق آزاد خوانچه زر،

صفحه ۲

آزاد خوانچه زر

"فرازهای یک زندگی پربار"

مظفر محمدی

معرفی آزاد با کلام من کفایت نمی‌کند. تصمیم گرفتم آزاد را در مسیر زندگی تعقیب و به معنایی او را با حرف و عمل خودش بشناسیم.

مقدمتاً سوالی که باید از خود پرسیم این است که چه چیزی مریوان را از زمان کوچ تاریخی تا امروز شهر آزادگان، شهر علیه مردسالاری و خشونت علیه زنان، شهر زنان سرخ پوش، شهر دفاع از حقوق کودکان، شهر حرمت کارگران و کولبران، شهر تئاتر خیابانی، شهر آدم برقی های کودکان، شهر اعتراضات و بیانیه های رادیکال معلمان و کارگران فصلی... کرد.

پاسخ به روشنی این است: وجود انسان های آزادیخواه، انساندوست و برابری طلب! و نه هیچ چیز دیگر. بدون وجود انسان های راستین، آزاده و انساندوست، این شهر مرزی، جز شهر تاجران قاچاقچی دولتی و غیر

صفحه ۳

کودتای دلقکهای "مستضعفین" در کانال اینستاگرام پارس جنوبی

مصطفی اسدپور

صفحه ۵

سمینار "زنان فلسطین علیه خشونت مبارزه میکنند" برگزار شد

صفحه ۶

در همبستگی با مدافعان مردم فلسطین که در زندانهای بریتانیا زندانی

صفحه ۶

شانس تان صفر است

فواد عبدالحی

روزنامه شرق در روز سه‌شنبه گذشته با یک هیجان ضد کمونیستی، با خط درشت در صفحه اولش تیتر زد که "مردم شیلی سرانجام سکوت خود را شکستند و با رأیی تاریخی، به هرج و مرج و کمونیسم "نه" گفتند؛ پیامی که لرزه بر اندام جریان‌های چپ در سراسر آمریکای لاتین انداخته است. این فقط یک پیروزی انتخاباتی نبود، بلکه رفراندومی بود برای بازپس‌گیری خیابان‌ها از تبهکاران و نجات اقتصاد از لبه پرتگاه."

واقعیت اینست که روزنامه شرق و نویسنده نوکیسه‌ی این سطور، به لیچارگویی افتاده، از خود بی‌خود شده و آن‌قدر به "خوزه آنتونیو کاست" رهبر جریان راست افراطی در روز انتخابات شیلی نزدیک شده بود که "خطر" شبخ کمونیسم در ایران، در بیخ گوش‌شان را از یاد بردند. در ادامه به این "خطر" در ایران و هراس بنیادی روزنامه شرق و پیامی که مخاطبش سرمایه‌داری نوکیسه‌ی ایران است، می‌پردازم. اول به این‌گونه هیجانات جنگ سردی و این "رای تاریخی" و "پیروزی های انتخاباتی" در دنیای امروز، که معمولاً عمری درازتر از یک "شو" تلویزیونی ندارند، بپردازیم.

داستان انتخابات پارلمانی در شیلی و سواری گرفتن جریان منسوخ شده‌ی راست از تاریخ سپری شده‌ی جناح چپ بورژوازی در پارلمان این کشور، پدیده نوظهوری در دنیای سیاست نیست. در مهد "تمدن‌های" دموکراسی مانند آمریکا و اروپا، در فردای به قدرت رسیدن هرکدام از این سناریوهای مضحک با فریادها و عربده‌های توخالی کاندیداها، بالاخره شهروندان از خود می‌پرسند که از جناح چپ احزاب پارلمانی چه نصیب‌شان شده است که فردا از جناح راست این احزاب قسمت‌شان بشود! این روزها، تفاوتی میان احزاب چپ پارلمانی با احزاب راست و محافظه‌کار نیست. حزب سبز آلمان امروز ضد محیط زیست‌ترین حزب و مدافع پر و پا قرص میلیتاریسم در غرب است. حزبی که مدافع کامل ادامه جنگ در اوکراین و جنگ‌طلبی است. در انگلستان حزب کارگر مدت‌هاست علیه حق اعتصاب کارگران خط و نشان می‌کشد و حتی به یک حداقل دستمزد ناچیز در "بریتانیای کبیر" رای منفی می‌دهد؛ از دولت صهیونیست اسرائیل،

آزادی برابری حکومت کارگری

انقلابی" به "پراتیک انقلابی" تغییر داد. این کابوس است که در یک ائتلاف اعلام نشدهی "سراسری"، خطر سرایت دوباره آن تئوری‌های انقلابی، که در زمانه ما منسجم‌تر، روشن‌تر و سیاسی‌تر صیقل خورده و در دسترس طبقه کارگر و مردم بی‌باخته است، و مبنای آن تدوین و ثبت و مکتوب و در دسترس است، مدام بورژوازی ایران در حاکمیت و در اپوزیسیون را به وحشت و هذیان دچار کرده است.

انتخابات شبلی و ابراز وفاداری روزنامه شرق به پینوشه و سیاست "مشت آهنین" بهانه‌ای است که نوکیسه‌های طبقه حاکم، شانس بقاء خود را در ایران امتحان کنند؛ با گرو گرفتن نان و آتوقه مردم، با غلظت اسلامی کمتر و واژه دهن پرکن "نئولیبرالیسم" و البته با تکیه به بیت رهبری و به قدرت اقتصادی و نظامی سپاه امید بسته‌اند. این تکاپو نه فقط شانس ندارد که به سرعت نور، رقت‌بارتر از سرنوشت اصلاح‌طلبان به فاضلاب شهرها و کارخانه‌ها ریخته شده است. پایین جامعه، در و دروازه هر نوع اپوزیسیون و راه حل تراشی‌های درون حکومتی را، با این و آن شخصیت، با ریش و بی‌ریش را بقصد ماندن بر سکوی قدرت با هر شکلی از جرح و تعدیل کور کرده است. همه‌شان می‌دانند که هر تکاپوی در بالا، هزاران گام "دشمن‌شان را به میدان می‌آورد. قدرتی که خردجمعی و اداره شورایی را تجربه و زندگی کرده است و امروز پایه‌های شوراهای اعمال قدرتش را ساخته است، شانس تکرار نسخه‌های پینوشه و خمینی را به صفر رسانده است. جنبش کمونیستی که از تهران تا کردستان و از هفت‌تپه تا پالایشگاه‌های نفتی و گازی با رهبران و شخصیت‌های رادیکال و سوسیالیست خود در میدان است، شانس جمهوری دوم سرمایه در ایران را تماماً کور می‌کند.

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق آزاد خوانچه زر، فعال کارگری

و کمونیست

روز ۱۹ دسامبر، قلب مالامال از امید آزاد خوانچه زر، فعال کمونیست و کارگری در مریوان، پس از چندین سال دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، از تپش باز ایستاد.

آزاد خوانچه زر چهره‌ای شناخته شده و محبوب در میان توده‌های کارگر و مردم محروم و زحمتکش بود. او صدای رسا و شجاع توده‌های زحمتکش و معترض علیه فقر و نداری و برای آزادی و رهایی از ظلم و ستم بود. تلاش و مبارزه کمونیستی او در راستای اتحاد کارگران و زحمتکشان چنان بود که حتی بیماری و آزارهای لحظه‌ای ایشان را از این امر غافل نکرد. درگذشت آزاد ضایعه‌ای بزرگ برای جنبش کمونیستی، سوسیالیستی و کارگری در مریوان و ایران است که تنها با ادامه راهش می‌توان آن را جبران کرد.

ما در حزب کمونیست کارگری کردستان، ضمن تسلیت و همدردی با بستگان، رفقا و همسنگران رفیق آزاد خوانچه زر، خود را در کنار مبارزات کمونیستی و آزادی خواهانه آزاد و رفقاییش در مریوان و سراسر ایران برای آزادی، برابری و رهایی از ظلم و ستم، می‌بینیم.

گرامی باد یاد و خاطره این مبارز کمونیست

دبیرخانه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری کردستان

۲۱ دسامبر ۲۰۲۵

فاشیست‌تر است و تفاوتی نه فقط با حزب راست انگلیس بلکه با حزب "لیکویید" اسرائیل ندارد. امروز، احزاب رسمی - چپ و راست - در هیچ زمینه‌ای تفاوت فاحشی با هم ندارند. بی‌اعتمادی و روی‌گردانی شهروندان به ساختار سیاسی قدرت در جوامع امروز را نمی‌توان به پای کمونیسم و جنبش کارگری نوشت؛ بحران اقتصادی و بی‌افقی سیاسی بورژوازی و به ته خط رسیدن نظام بازار و دموکراسی پارلمانی را نمی‌توان به پای کمونیسم نوشت؛ مسبب فقر، بحران اقتصادی، بیکاری، بی‌خانمانی، جنگ و آوارگی، اعتیاد و فحشاء، نظام حاکم بر جهان امروز است؛ بالماسکه‌های انتخاباتی بورژوازی نمی‌تواند پوششی هرچند موقت بر تشویش و اضطرابی باشد که هم اکنون در کانون‌های تبلیغاتی در محافل دولتی و در صف سیاستمداران و احزاب پارلمانی در خصوص "نجات" دموکراسی پارلمانی "از لبه پرتگاه"، در جریان است. خود کانون‌های سیاسی و فکری بورژوازی هم، به اندازه روزنامه شرق و نویسنده تازه به دوران رسیده آن، از "پیروزی"های موقت راست و بازگشت به دوران "مشت آهنین" انچنان ترسیده‌اند. تهییج نشده‌اند. زمان آن رسیده که طبقه کارگر از ورای دموکراسی پارلمانی و صندوق انتخابات این نظام، راهی برای دخالت مستقیم در سیاست پیدا کند. کافیسیت کمونیست‌ها و طبقه کارگر در جایی به قدرت برسند، جایی قدرت‌نمایی کنند، جایی سرنوشت جامعه را بدست بگیرند، جایی به نیروی خود امنیت شهروندان را تأمین کنند، ورق برمی‌گردد. شتاب رویدادها و تحولات، دخالت طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه را فرامی‌خواند. بن‌بست دموکراسی پارلمانی و احزاب راست و چپ آن، می‌تواند با عروج کمونیسم مارکسی پاسخ بگیرد. در مقابل موج بی‌اعتمادی شهروندان به "دموکراسی پارلمانی" و احزاب آن، نمی‌توان با پز "لیبرال" و "نئولیبرال" و "لفاظی‌های "مشت آهنین" و تکیه به "صندوق رای" و "اقتصاد بازار"...

ایستاد. روزنامه شرق دیر از راه رسیده است؛ صاحبان اصلی این تعرض دست راستی به ساخت کارگر و کمونیسم پس از فروپاشی بلوک شرق با جار زدن "پایان تاریخ" و "پیروزی" نظام بازار، اکنون خود نه فقط با بحران لاعلاج سیاسی، فکری و اقتصادی در غرب دست به گریبانند و ظرفیت‌شان در دشمنی با آزادی، رفاه، امنیت و خوشبختی شهروندان برملا شده است، بلکه عملاً با بحران مشروعیت سیاسی در نزد شهروندان خود مواجه گشته‌اند.

اما پشت پرده‌ی تبلیغات ارزان روزنامه شرق، یک هراس و وحشت اساسی در میان کل بورژوازی ایران - چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون - نهفته است و آن‌هم "خطر" مسلح شدن طبقه کارگر با شکلی از کمونیسم دخالتگر اجتماعی در عرصه سیاست است که قرابتی با انواع و اقسام چپ‌های بورژوایی، پارلمانی، عموم خلقی و غیر - کارگری ندارد؛ این کمونیسم از مبارزه "ضد استعماری" و "ضد امپریالیستی" و باج دادن به ناسیونالیسم و مذهب و قوم‌پرستی، استخراج نشده است. پرچم روشنفکر ناراضی در حاشیه جامعه نیست که تمام نقدش به نظام سرمایه‌داری در ایران این بود که "ملی" و "مترقی" نیست. این کمونیسمی نیست که با یک مشت شعار و مواضع و تعلق ایدئولوژیک در یک ساختار عشیرتی ایجاد شده باشد، بلکه بلاواسطه از ایران کاپیتالیستی و مبارزه طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه‌داری شروع می‌کند و برای انقلاب کارگری به "برنامه" و به تحزب مجهز است. کمونیسمی که در انقلاب ۵۷ در مقابل یورش بورژوازی و ضد انقلاب در لباس ارتجاع اسلامی از همان روز اول ایستاد و در مقابل تعرض بورژوازی به طبقه کارگر و انقلاب، سنگربندی کرد. این کمونیسمی است که در دل پایان جنگ سرد و هجوم لجام گسیخته بورژوازی به مارکسیسم، جسارت بخرج می‌دهد از مارکس و کمونیسم اسم ببرد و "پایان تاریخ" و "پیروزی" نظام سرمایه‌داری بازار را به باد انتقاد بگیرد و پرچم سیاسی و فکری طبقه کارگر برای به چالش کشیدن نظام کاپیتالیستی در جهان بعد از جنگ سرد را به اهتزاز درآورد. در جهانی که امروز توسط بورژوازی به لجن کشیده شده است، کمونیسم مارکس برگشته است. کمونیست‌ها و طبقه کارگر در ایران پرچمی را در دست دارند که پاسخ طبقه کارگر صنعتی در اروپا و آمریکا هم هست. خواست "اداره شورایی جامعه"، ریشه در این نوع کمونیسم، یعنی کمونیسم مارکس و کمونیسم کارگری دارد. تاریخ گواه اینست که این کمونیسم دخالتگر در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، چگونه صحنه سیاست در جهان را با پیوند "اندیشه

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیست پیوندید

رفیق عزیز و گرامی آزاد خوانچه زر از میان ما رفت!



با تأسف فروان صبح امروز ۲۸ آذر ۱۴۰۴ قلب بزرگ رفیق گرامی آزاد خوانچه زر، چهره محبوب جنبش کارگری و کمونیستی ایران از تپش افتاد و برای همیشه از میان ما رفت.

آزاد خوانچه زر فعال کمونیست، یکی از فعالین شناخته شده و محبوب جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران با تاریخی طولانی از تلاش و مبارزه برای رهایی بود. آزاد عزیز پس از سالها دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، متأسفانه سرانجام در سن ۴۵ سالگی در بیمارستان مریوان چشم از جهان فرو بست و برای همیشه ما را تنها گذاشت. امید به زندگی، امید و تلاش و مبارزه برای رهایی، امید به پایان استثمار و فقر و بردگی، در تمام این مدت و علیرغم درد شدید ناشی از بیماری، حتی برای یک لحظه هم از آزاد جدا نشد. آزاد تا آخرین لحظه زندگی خود، امید بخش خانواده، رفقا و دوستانش بود.

درگذشت آزاد عزیز برای حزب حکمتیست (خط رسمی)، برای جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، برای دهها هزار انسانی که او را از نزدیک میشناختند و همیشه یاری وفادار و دلسوز در زندگی و مبارزه آنها، بود، ضایعه ای بزرگ و غیر قابل جبران است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) درگذشت رفیق آزاد خوانچه زر را به همه بستگان او، به مادر گرامی اش کبری، برادران و خواهران عزیزش جمیل، آرام، چنور، سنور و چیا و به همه رفقا و همسنگران، به مردم آزادیخواه مریوان و همه کمونیستها و آزادیخواهان در ایران تسلیت میگوید.

یاد و خاطره آزاد عزیز همیشه گرامی است!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۸ آذر ۱۴۰۴ - ۱۹ دسامبر ۲۰۲۵

آزاد خوانچه زر، "فرازهای یک زندگی پربار" مظفر محمدی

دولتی، شهر معامله گران و تجار حریص، شهر گروه های تبهکار امثال سلفی ضد انسان و انسانیت، شهر عقبماندگی و عفونت عشیرتی و مذهبی و ضدیت با زن و با کارگر و زحمتکش نبود.

آزاد و همراهانش بعنوان انسان های متمدن، انساندوست و آزادیخواه خصلت نمای زیبایی های انسانی این شهراند. به همین دلیل همدردی دوستان و همفکران و همراهان آزاد و احترام به او و زندگی سربلند و با افتخارش از جنوب ایران و هفت تپه تا کردستان، بدرقه ی آزاد بر شانه های مردم مریوان و تجمعات گسترده ی بزرگداشت این جوان محبوب مردم، حکایت از یک زندگی سرفراز و نمونه ی انسانیت، شرافت و آزادیخواهی و برابری طلبی او است. و این در یک کلام نشان داد آزاد کمونیسم اجتماعی را راهنمای کار و زندگی قرار داد و در جای درست تاریخ ایستاد.

ازاد به حکم باور به کمونیسم و جامعه، به همه چیز کار داشت و هیچ چیز را ول نمی کرد. عرصه های دفاع، حمایت، اعتراض، اتحاد و سازماندهی کردن او گسترده است. بگذارید برگ هایی از دفتر زندگی پر بار این انسان آزادیخواه و برابری طلب را ورق بزنیم. او کم می نوشت اما وقتی حرف میزد و با چیزی ولو کوتاه مینوشت مثل عطر گل زندگی و خار چشم دشمنان زندگی بود!

آزاد هنگام از دست دادن پدرش گفت: "پدرم یک کارگر بود و معلم من". معلم من دردهای پدرم است که دردهای جامعه بود". او با عمل انساندوستانه ی انقلابی و رادیکالیسم کارگری اش در مقابل و علیه این دردها ایستاد!

یکی از نقاط عطف تاریخی مبارزه ی آزاد، سازماندهی "کمیته های مردمی محلات مریوان" بود.

او این کار فوق العاده انسانی را از آغاز و به همراه دوستانش با این پیام شروع کرد: "اتحاد هر ویروسی را از پا در خواهد آورد". و این یک شعار نبود بلکه اقدام به عمل انقلابی سازماندهی کردن این اتحاد بود. اتحاد برای مقابله با ویروس کرونا تا مقابله با ویروس نظامی تبهکار که جامعه را به فلاکت و سیه روزی کشانده است.

او خطاب به مردم شهر مریوان گفت: "همشهریان! در شرایطی که حسن روحانی آشکارا و چشم در چشم مردم دروغ میگوید که "ما مرگ کرونایی نداریم. ما مرگ باخاطر فقر و بیماری نداریم"، کمیته محلات را در محله سکونت خود تشکیل بدهید! با تشکیل کمیته های محلات تلخی های کرونا و فقر و بیماری را با آگاهی و اتحاد و دخالت در سرنوشت خود تغییر دهید و زندگی را شیرین کنید!"

کمیته های مردمی محلات شهر مریوان از همان آغاز ۱۳ محله شهر را با ۱۸ گروه و فعال اجتماعی مردمی تحت پوشش قرار دادند. فعالین کمیته با ساکنین محلات شهر از زن و مرد و کودک و پیر، ارتباط تنگاتنگی برای همکاری و همفکری داشتند. برای هماهنگی کارها "هیأت نمایندگی کمیته های مردمی" را از برجسته ترین فعالین اجتماعی تشکیل دادند.

آزاد خوانچه زر در مصاحبه ای در باره "کمیته مردمی محلات مریوان" علیه کرونا گفت:

"برای مقابله با این ویروس منحوس که به جان جامعه افتاده، میبایستی چاره ای می اندیشیدیم که تا درصدی از تلفات و عوارض ناشی از این پاندمی را کم کنیم یا به حداقل برسانیم. در این میان گروه هایی به بهانه اینکه دولت مسئول تامین جان مردم است در خانه نشستند و کسانی دیگر به دنبال جمع آوری امضا و پتیشن

نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

آزاد در همان حال اتحاد همسرانش را میستود. او زیر عکسی با رفقاییش در طاق بستان نوشت: کرمانشاه به طاق بستان و بیستون پشتش گرمه. ما به رفقایمان چندین برابر!

او در مورد ادامه کاری کمیته مردمی محلات گفت: "کمیته مردمی محله" هرگز از موضوعیت نخواهد افتاد. مگر زمانی که دردهای جامعه یعنی فقر و گرسنگی و بیماری و تبعیض و خشونت و نابرابری از بین برود. بعلاوه اگر رژیم بخواهد با کمیته های مردمی محلات ضدیت و دشمنی کند، با مردم یک شهر درخواهد افتاد. این نقطه قدرت جنبش و مبارزه اجتماعی است."

کمیته های مردمی محلات وظایف خود را به مقابله با ویروس کرونا محدود نکرد. آزاد در یکی از تجمعات مردم شهر خطاب به حاضرین گفت:

"کمیته های آگاه سازی و دخالت مردمی زنان و مردان و کودکان علیه خشونت، تبعیض و نابرابری را در محلات تشکیل دهید!" برای رفع هر مشکل و معضلی بایستی از ابزار و مکانیزمی استفاده کرد که به رفع این مشکلات کمک کند. تا ابزار این کار را نداشته باشید عملاً هیچ مشکلی را نمیتوان حل و فصل کرد! و این ابزار "کمیته های مردمی محلات" برای دخالت در امور مربوط به زندگی و مقابله با تبعیض و ستم و فقر و نابرابری است. شما دیدید کمیته های مردمی تان آسیب های مصیبت بار کرونا را تخفیف و به حداقل رساند. شما دیدید تنها در یک فقره کمیته های مردمی محلات میوان توانستند دولت را به اتمام پروژه های جادهی سندانج میوان که به جاده مرگ شهرت داشت، در مدت کوتاه 6 ماهه مجبور کند."

در مقابل فرازهای زندگی آزاد یک فرود که از اختیار او خارج بود وجود داشت و آنهم بیماری سرطان بود. زحمتکشان آگاه میوان با همراهی با آزاد و دیگر آزادگان شهر، ویروس کرونا را در حالی که رژیم تبهکار بیخیال مرگ مردم بود، با کمترین خسارت شکست دادند. اما ویروس سرطان مثل ویروس فقر و بیکاری و فلاکت، حامیان ویروس اعظم یعنی جمهوری اسلامی برای بقای تبهکاریهایش هستند. جمهوری اسلامی نتوانست آزاد را با تهدید و زندان و شکنجه حتی در حالیکه با بیماری دست و پنجه نرم میکرد، زمین گیر کند. اما سرطان همچون دیگر ویروس های فقر و بیکاری و گرسنگی و فلاکت به کمک جمهوری اسلامی رفت و میروند تا به بقای ننگینش به قیمت تباهی جامعه ادامه دهد.

جمهوری اسلامی آزاد را از پا در نیاورد. اما سرطان کار رژیم را آسان کرد. جمهوری اسلامی مدیون سرطانی است که آزاد را از پای انداخت. بیماری آزاد در آغاز ساده و قابل علاج بود، اما هزینه ی کمر شکن معالجه، گرانی و نداری و زندان بهنگام بیماری او را از پای درآورد. مسبب مرگ این انسان بزرگ و همه ی بیماری های قابل علاج دولت نابکار سرمایه و دین است.

آزاد در آخرین روزهای حیاتش گفت: "این روزها که به دردهای جامعه ام مینگرم خیلی شبیه من است. جامعه ما هم سرطان زده است!"

او درست گفت. این سرطان چیزی جز نظام تبهکار جمهوری اسلامی سرمایه و سود نیست. رژیم شرط آزادی آزاد از زندان را در حالی که با بیماری سرطان دست و پنجه نرم میکرد، پرداخت جزای نقدی گذاشت و از او جریمه نقدی دفاعش از انسانیت گرفت!

اما علاوه بر نقطه عطف زندگی مبارزاتی آزاد، یعنی "سازماندهی کمیته های مردمی محلات میوان" که مورد توجه فعالین آزادیخواه دیگر شهرهای کردستان و حتی ایران قرار گرفت و تلاش هایی در این زمینه را تجربه کردند، گفتیم که او به همه چیز کار داشت. او یک کارگر بود و هر راهی که به منافع کارگران و زحمتکشان زن و مرد کمک میکرد را رفت. مثل حقوق برابر و انسانی زن، کودک، پرستار، معلم، کولبر، محیط زیست جامعه، جنگ های دولت ها، نسل کشی در فلسطین، کشتار جنگ اوکراین...، او در این موارد مقاله نوشت. تحلیل نکرد. اما صریح و قاطع نشان داد کجای این تاریخ ایستاده است:

آزاد از ناسیونالیسم و قومگرایی و تفرقه در صفوف مردم به نام ملت و قوم و زبان و مذهب و فرهنگ بیزار بود و علیه آن ایستاد:

زمانی که ربیبین گوران. جوان میروانی به دلیل گرفتار شدن در دود آتش جنگل های هنجیران میروان در بیمارستان بستری و به کما رفت، خطاب به

رفتند تا شاید بتوانند با کمپین های مجازی و جمع آوری طومار کاری کرده باشند و از این راه دولت را مجاب به پاسخ گویی کنند."

"ما جمعی از فعالین نام آشنای شهر میوان دور هم جمع شدیم چون باید برای کنترل وضعیت فاجعه باری که یقهی دنیا را گرفته بود و ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم، چاره های می اندیشیدیم. ما تجاربی در این زمینه ها داشتیم و فوراً به سراغ تشکیل "کمیته مردمی محلات" رفتیم."

"ما تصمیم گرفتیم شهر را برای مقابله با این مصیبت آگاه و بسیج و دخیل کنیم. محلات علاوه بر مساله فقر و نداری و گرانی و بیماری که راه چاره اساسی تری دارد، معضلات عدیده ی دیگری هم مثل معضلات اجتماعی، فرهنگی مانند خشونت علیه زن و کودک، معضل بی آبی، بهداشت محلات، مکان تفریحی کودکان... وجود دارند. و ما در زمینه ی مقابله با این آسیب ها بویژه خشونت علیه زن و کودک تجاربی داشتیم."

آزاد در مقابل این سؤال که آیا شما فعالیت در انجمن هایی که در محلات نیستند را قبول دارید؟ پاسخ داد:

"شکی نیست فعالین دلسوز و انسان دوست فراوانی در انجمن های مختلف وجود دارند که که دارای افکار انسان دوستانه ای هستند؛ تلاش فراوانی هم انجام میدهند ولی متأسفانه نتوانسته اند تأثیر معناداری برای تغییر جدی داشته باشند، چون در مکان و جای درستش یعنی در دل جامعه و در میان مردم قرار ندارند. من میگویم هر فعالیت و تلاشی را باید در مکانی که معضل وجود دارد سازماندهی کرد. نمی شود برای آگاه سازی و متحد کردن کارگران بروید در کوه و دشت از مشکلات کارگر بگویید و انتظار داشته باشید کارگران آگاه و متحد شوند. مثل این است در یک کارگاه کارگری از حل مشکل ورزشکاران المپیک بگویید! نمی شود با معضلات و مشکلات زنان و کودکان در محافل روشنفکری مقابله کرد آن هم در حالی که زنان و کودکان در محلات هر روز قربانی می شوند. قاعداً در جامعه ما زنان و کودکان و مشکلات آن ها خصوصاً در خانه و خانواده های حاشیه نشین شهرها و بیشتر اتفاقات ناگوار در محلات رخ می دهد. فعالین دلسوز و انسان دوست اجتماعی باید خود را در محلات سازمان بدهند و مردمان محله را برای مقابله با معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آگاه و بسیج و آماده کنند."

آزاد از فاصله حرف و عمل و روشنفکران چپ بی عمل و در حاشیه جامعه بیزار بود. او معتقد بود روشنفکران چپی که به مارکسیسم گرایش دارند و جهان را تفسیر می کنند اما برای تغییر آن تلاش نمی کنند، با مارکس که گفت، "فلاسفه جهان را تفسیر می کنند ولی اساس بر تغییر جهان است" سخنیتی ندارند.

آزاد در پاسخ به منتقدینی که خود را کمونیست دواتشه مینامند و می گفتند، شما دارید به جمهوری اسلامی خدمات میدید. مقابله با کرونا کار رژیم است و یا در بهترین حالت می گفتند کار شما پوپولیستی است و ربطی به کارگر و کمونیسم ندارد... با صراحت و قاطعیت وبدون تعارف گفت:

"شما کمونیسم را نفهمیده یا بد فهمیده اید. شما کمونیسم و جامعه را درک نکرده اید. بعلاوه شما موقعیت شهر و منطقه میوان را یا نادیده میگیرید یا نمیفهمید. یک شهر مرزی با خصوصیات خود بدون وجود کارخانه و کارگاه های بزرگ که کارگرانش بیکار و به کولبری پناه میبرند تا نانی به سفره خانواده خود بیاورند انهم اگر زیر آوار برف در کوهستان های صعب العبور زمستان مدفون نشده یا گلوله گزیده های رژیم آن ها را به خاک نیندازد. اکثریت عظیم کارگران شاغل این شهر کارگران فصلی و ساختمان هستند که یا در مهاجرت و یا در محل، سالی چند ماه انهم در نقاط مختلف و پراکنده کار میکنند. شما خشونت علیه زن و کودک را جزئی از ستم و استثمار کارگران بحساب نمی آورید. شما فقر و محرومیت بینوایان را نمی بینید یا چشم پوشی می کنید. در چنین شرایطی محلات شهر میوان محل تمرکز زندگی همین کارگران و زنان و کودکان بی پناه هستند. شما محل کار و محلات زندگی زحمتکشان را از هم جدا می کنید. این نگرش به جامعه بویژه در شهر و منطقه میوان نه به کارگر ربط دارد و نه به کمونیسم. "کمونیسم" شما کتاب مقدس آسمانی است که ربطی به زمین ندارد."

میجنگند برای دو نفر که همدیگر را میشناسند و نمیجنگند. علت وجود گروه‌های تروریستی ارتجاعی در فلسطین و غزه، دولت فاشیستی صهیونیستی اسرائیل است. حاکمان مرتجع فاشیستی اسرائیل مسؤل نسل کشی کودکان و مردم غزه و فلسطین است."

"میدانید چرا امریکا و ناتو در جنگ اوکراین مستقما شرکت نمی کنند؟ چون این بار نه با مردم بی دفاع عراق و سوریه و افغانستان ، بلکه با روسیه ی از جنس خود طرف هستند. فلسفه جنگ اوکراین اینجا است که حضرات ناتو و امریکا با روسیه توافق نخواهند کرد تا تسلیحات نظامی خود را به فروش برسانند. متفقین بورژوازی جهان سر منافع خود جنگ دارند و تاوان آن را طبقه کارگر می پردازد. این جنگ ما نیست."

در دفاع از حقوق پناهندگان و مهاجرین گفت:

"با جلوگیری از خروج جنگ زده های غیر اروپایی از مرز لهستان، فاشیست های نژادپرست اروپایی پیمای به فاشیسیست های جهان سومی دادند که شما به گرد پای ما نخواهید رسید ما بهترین فاشیست های متمدنیم."

او در باره دنیای مجازی گفت:

"دنیای مجازی را به دوستان مجازی می سپارم و همچنان با دوستان واقعی همراه میشوم. سلبریتی های ورزشی، تئاتری، تلویزیونی و مفسرین و تحلیلگران مدافع نظام سرمایه، مانند سوپاپ اطمینان یک دیگ عمل می کنند که هروقت محتوای دیگ به جوش بیاید آن را می کشند بالا تا از انفجار جلوگیری کنند. دادخواه مردم علی دایی، وریا غفوری، مهران مدیری، رامبد جوان، علی کریمی و دیگر لیبرال های فرصت طلب نیستند. داد خواهان مردم، کارگران و فرهنگیان بازداشتی و اخراجی و صف برابری طلبان و آزادیخواهان واقعی زن و مرد هستند. او به اطرافیانش توصیه میکرد: "هرچه بیشتر کتاب بخوانید. در این مورد زیاده روی کنید. بخوانیم تا بهتر بدانیم که هستیم و کجای این جهان ایستادیم!"

آزاد در حمایت از مبارزات کارگران هفت تپه خطاب به دولتمردان ضد انسان گفت:

"ما را نترسانید. وحشت تان را پنهان نکنید. با احکام سنگینی که به کارگران و مدافعان و حامیان آنها می دهید، فکر می کنید ترس و رعب به دل جامعه می نشیند. اما این احکام در واقع نشانه وحشت شما است. و شما روزمره این وحشت را از جامعه و طبقه کارگر دارید! مگر میشود کسانی را ترساند که خواستار نان، رفاه و آزادی هستند. مگر میشود کسانی را ترساند که خواست اداره شورایی دارند. مگر میشود با این احکامات خانواده های گرسنه ی زیر خط فقر را از مطالبات خود ترساند. اسماعیل بخشی ها و همسرانشان و همراهانی چون امیر حسین ها و صف بزرگ کارگران و مدافعین طبقه کارگر نشان دادند نه جامعه کارگری وحشت کرده و نه متهمین در بند آنها. اما ما به یک ساعت در بند بودن این عزیزان قانع نیستیم. آنها را بدون قید و شرط آزاد کنید!". آزاد معتقد بود، اعدام قتل عمد سازماندهی شده دولتی است.

او به امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری گردانندگان نشریه گام نوشت: "اعتصاب غذای خود را بشکنید. جامعه به سلامت شما نیاز دارد. نگذارید اعتصاب غذا جسم تان را بشکند. زندان بوی عسل میدهد. امیر زندان حسین است. حیاط زندان سیبیده دارد. زندان بخشی از اسماعیل است. با کارگران چین دیوارها را میسازند و سران ملل گپ میزنند و از آزادی می گویند."

آزاد اکنون در میان ما نیست. اما از تجارب او می آموزیم . می آموزیم که به همه چیز کار داریم. هیچی را ول نمی کنیم. به کارگر، زن، کودک، زحمتکش و بینوایان، جنگ های بورژوازی، به فلسطین و غزه. اوکراین...

کمونیسم ما کمونیسم اجتماعی است. به همه چیز جامعه کار دارد. رهایی بشریت در گرو انتخاب این نوع کمونیسم است. انتخابی که آزاد و آزادهای مبارز راه رهایی انسان کردند. به احترام آزاد عزیز کلاه از سر بر می داریم و به ادامه راهش متعهدیم!

دی ماه ۱۴۰۴

ناسیونالیست ها که از فداکاری "ریبین" در راه کورد و کردستان حرف میزنند، گفت: "ریبین یک قربانی دیگر است. شرافت داشته باشید. بس کنید. دیگر با تشویق و ترویج مزخرفترین دیدگاه بشر یعنی ناسیونالیسم، جوانان را به کام مرگ نفرستید. دیگر کافیتست. بر دوش شریف ترین انسان ها برای خود تفکر عقیمانده ی قومی و بارگاه و تکیه شیوخ ساختید. کافیتست. دیگر جوانان را قربانی خواسته های پلیدتان نکنید!"

آزاد در مورد بهداشت و درمان و سلامت جامعه گفت:

"امروز برای گرفتن دارو به دارو خانه مراجعه کردم . شخصی از دکتر داروخانه درخواست کرد که داروی که بهم میدید خارجی باشه. دکتر هم در جواب گفت داروی ایرانی ۲میلیون و خارجی ۱۱ میلیون و تو حق انتخاب داری که کدام را میخواهی. اما او درست نمی گفت. بیمار حق انتخاب ندارد. نمیتواند بجای داروی بنجل ایرانی داروی معالج خارجی را انتخاب کند. بیماران جامعه ما فقط حق یک انتخاب دارند: مرگ!"

او در دفاع از پرستاران گفت:

" این فرشته های نجات تمام زندگیشان را وقف سلامت جامعه کردند، در شرایط کرونا مردند و از یاس ناکارآمدی سیستم سلامت خودکشی کردند. پرستاران و کادر درمان با وجود فشار طاقت فرسای کار، دستمزد های ناچیز و حتی تعویق آن، اضافه کاری و کمبود مرخصی، شبانه روز زندگیشان را وقف سلامت هموطنانشان میکنند. نظام سلامت و فداکاری پرستاران اما گروگان و قربانی سود و اختلاس و فساد افسار گسیخته رژیم است!"

در استقبال از اول مه روز جهانی کارگر نوشت:

"روزی فرامیرسد که اول مه را نوروز طبقه کارگر مینامیم و آن را روز شروع یک تحول تاریخی در سراسر جهان جشن خواهیم گرفت. سازهائیان را کوک کنید. بهترین لباس هایتان را بپوشید. بهترین عطر هایتان را بزنید. روز جهانی کارگر را جشن بگیریم!"

آزاد تقلیل دادن مبارزه زنان را به خواست پوشش اختیاری، نپذیرفت و گفت:

"رهایی زن در گرو رهایی طبقه کارگر است. برای رهایی از نابرابری جنسیتی و طبقاتی این زنان مزدبگیر و کارگران هستند که با اتحاد خود میتوانند نظام پلید سرمایه داری را به زانو در بیاورند. برای این آینده، آگاهی و اتحاد طبقه کارگر اعم از زن و مرد امری حیاتی است. شعار واقعی جنبش برابری زن و مرد، "آزادی، برابری" است!"

او در تشییع جنازه شلیر رسولی که قربانی مردسالاری و ناموس پرستی شد، مردسالاری و مذهب را سرچشمه این فجایع انسانی نامید. شعار زنان در مراسم این بود: "از کردستان تا تهران ستم علیه زنان". آزاد و همراهانش در کمیته های محلات مریوان و با حمایت جمعی از فعالین اجتماعی بیانییه ای علیه قتل های ناموسی و زن کشی صادر و خشونت علیه زن را علاوه بر خانواده توسط قوانین شرعی جمهوری اسلامی که زن را ملک مرد میخواند محکوم و خواستار پایاد دادن به این جنایات فجیع علیه زن و بشریت شدند.

آزاد خطاب به تجمع زنان مریوان علیه ناامنی زنان نوشت: "اعتراض روح زندگی است. اگر اعتراض نباشد جامعه مرده است. زنده باد زندگی . زنده باد زنان برابری طلب مریوان!"

آزاد در جنبش اجتماعی ۱۴۰۱ و نقش پیشروانه زنان و دختران جوان، خطاب به دولت گفت:

" ایستگاه های مترو، قطار، اتوبوس، کوچه و خیابان های شهر به کنار، اگر جلو تک تک خانه ها، تفنگچی هایتان را بگذارید، جامعه به عقب بر نخواهد گشت!"

آزاد در باره جنگ های بورژوازی جهان گفت:

"تاریخ جنگ ها عبارت است از جنگ دو سرباز که همدیگر را نمی شناسند و

کودتای دلقکهای "مستضعفین" در کانال اینستاگرام پارس جنوبی

پارس جنوبی در جستجوی قدم بعدی راه به کجا دارد؟

مصطفی اسدپور

اجتماع بزرگ و توفنده هجدهم آذر پارس جنوبی را در مقابل سوالات تازه و شوق آور قرار داده است. سوالات و چشم انداز مقابل کارگران پارس جنوبی برای دوستان و دشمنان کارگران میان زمین تا آسمان متفاوت است. این شرایط ویژه در کانال اینستاگرامی سخنگوی انجمن صنفی کارگران بخوبی قابل مشاهده است.

"اعتراض تاریخی ۱۸ آذر نه پایان یک روند، بلکه آغاز دوره‌ای از بازاندیشی در شیوه‌های کنش صنفی است. اگر سکوت وزارت نفت ادامه یابد، گمانه‌زنی‌ها درباره ورود اعتراضات به فاز عملیاتی‌تر، از سطح بحث‌های غیررسمی فراتر خواهد رفت و می‌تواند به تغییر شکل اعتراضات کارگران پیمانکاری پارس جنوبی در هفته‌های پیش رو منجر شود"

هشت روز پیش وقتی علیرضا میرغفاری در چند جمله فوق، رو به کارگران پارس جنوبی چگونگی گام بعدی در اعتراضات کارگران پارس جنوبی را در چند جمله ساده مطرح کرد، کمتر کسی میتوانست به صحت و حقانیت آن چشم انداز کمترین تردیدی به خود راه دهد. دو روز پیش باز هم میرغفاری در ادامه همان اظهارات با انتشار یادداشت تازه ای با صراحت علیه "سوء استفاده از متانت کارگران" در سابقه کشمکش های چند ساله نوشت. در فاصله کوتاه، از دیروز گذشته کانال اینستاگرام ایشان به قرق جریان "مستضعفین" (تلوویزیون مستضعفین) در آمده است.

اگر دو یادداشت میرغفاری آشکارا گویای پیروزی مستقیم کارگران است، پرده از سنگ اندازی و دروغ پردازی سیستماتیک علیه توقعات و حق طلبی کارگران بر میدارد و راه مبارزه مستقیم کارگری را نشان میدهد؛ "مستضعفین" برعکس، تصویر زنده ای از شکست کارگران و تسلیم را بدست میدهد و برای این تصویر تاریخ و توجیه می‌تراشد. و به همین سبب اگر تصویر "مستضعفین" گویای توطئه یک جریان منحن در توسل به انواع روشهای پلیسی و بهره گیری از ضعف صف کارگری برای کشاندن کارگران به دام سازشکاری و تسلیم است، برعکس یادداشت غفاری راه را بر شرافت عمیق طبقه ای باز میکند که همدستی جبهه کارفرما و مقامات و دوا بر حکومتی را میشناسد و حق خود فورا و بی کم و کاست میطلبد. امروز پارس جنوبی به یک قطب بی پروا از حق طلبی و امید و خوش بینی سراسری کارگری تبدیل شده؛ و این تازه آغاز کار جنبشی است که با پرچم لغو پیمانکاریها، مبارزات کارگری سراسر صنعت نفت را زیر یک پرچم واحد به هم گره میزند.

هیچ چیز به اندازه ادعا و رجز خوانی "مستضعفین" به عمق ورشکستگی حاکم بر کل اردوگاه بورژوازی و جمهور اسلام آنها نقب نمیزند. نوشته اند:

"اعتراض ۱۸ آذر کارگران پیمانکاری پارس جنوبی، ظرفیت آن را دارد که دستکم دو الگوی مهم در عرصه اعتراضات صنفی ایران بسازد. نخست، برای کارگرانی که با وجود همه ضعف‌ها، نارسایی‌ها و حتی انحراف‌ها، همچنان خود را در صف دفاع از انقلاب اسلامی می‌دانند و تلاش می‌کنند مطالباتشان را در چارچوبی مسالمت‌آمیز، منظم و مسئولانه پیگیری کنند. دوم، برای کارگران و مزدگیرانی در نقاط مختلف کشور که تحت شدیدترین بمباران تبلیغاتی، مدام به سوی مسیرهای خشونت‌آمیز، سیاسی‌شده و حتی براندازانه سوق داده می‌شوند. برای هر دو طیف، واکنش نظام تصمیم‌گیری و نهادهای مسئول به این اعتراض، به‌مثابه یک «ترازوی» مهم تلقی خواهد شد. سنجهای که نشان می‌دهد اعتراض صنفی آرام، گسترده و وفادار به چارچوب‌های قانونی در ایران، چه پاسخی می‌گیرد. پاسخ به تجمع تاریخی ۱۸ آذر، فقط پاسخ به کارگران مجتمع پارس جنوبی نیست، بلکه پیامی به تمامی جامعه کارگری کشور است."

جزئیات ادعاها و روایت فوق اعتراضات بیش از یک دهه پارس جنوبی، را تحریف میکند، نافی مبارزه و پیشرفت و ظرفیت های اعتراضات موجود است. عبور از "سه شنبه های اعتراضی" به اجتماعات هزاران نفره به خار چشم آقایان "مستضعفین" تبدیل شده است؛ شاخ و شانه میکنند. در رتم دنیا و از دور و نزدیک پیروزی پارس جنوبی با استقبال روبرو شد. برعکس و دقیقا این تمام سیاست و تمام نقشه ها از طرف مستضعفین و کارگاه تی وی در زیر چتر اسماعیل محمد ولی است که شکست خورد. در هیچ کجا از اجتماع ۱۸ آذر ماه کوچکترین اثری از سازش و شکست و التماس از طرف کارگران مشاهده نشد. پیام ۱۸ آذر تماما کارگری و تماما ستیزه جویانه به سراسر دنیا

مخابره گردید. کارفرما و برادران حراست و امنیت کارخانه یقه تلوزیون مستضعفین را گرفته اند، این جریانات در گستاخی همیشگی دنبال مستمسک رو به کارگران هار شده و هیچ چیز جلو دار آنها نیست.

اول: دو الگوی مورد ادعای "تلویزیون مستضعفین" الگوهای شبکه سراسری کمیته های ایادی مسلح حمایت از کارفرمایان، و دفاتر سراسری حمله و تخطئه مبارزات کارگری است که مستقیما در خدمت استثمار و بهره کشی بیرحمانه در پنجاه سال حکومت همواره فعال بوده و حق خواهی کارگری را با عملیات جاسوسی مورد تهدید قرار داده اند.. این حضرات خود را به نفهمی میزنند، هرگز دو راه وجود نداشته است. راه اول همان راه سازش و تسلیم و شکست که نسخه آن در پیروی از منافع کارفرمایان تدوین شده بود؛ و راه دوم که با راهنمایی حضرات در دام نیروهای امنیتی با انگ "خشونت" و "خزاینکاری" و "ساختار شکنی" و "ایادی بیگانه" از هر گونه شانس خودنمایی محروم بودند. مبارزه اقتصادی گویا "سازشکارانه" داستان همه نوکران کافرما علیه همه کارگران آگاه در تمام طول تاریخ بوده است، اما نوع ایرانی مستضعفین برای کسب جایزه مناسبانه باید ابتدا کارایی عملی لیاقت مورد ادعای خود را اثبات کند.

دوم: این جماعت رسما و علنا در کنار "صف شکست خورده کارگران" عکس میگیرند؛ لیاقت های پنهان خود در هدایت اعتراضات صنفی به کجراه را به رخ میکشند؛ و رو به مقامات امنیتی جمهوری اسلامی لاف میزنند و سهم خود از نوازش و پاداش را میطلبنند. تحقیر شعور و تحقیر حق و مطالبات کارگری در سابقه تاریخی آن هر چه باشد؛ چه کسی به این اوباش اجازه داده است که دهها سال اعتراض خونین کارگری در نفت علیه وحوش مجسم در سر تا پای ساختار کارفرمایی صنعت نفت را با کلمات "ضعف‌ها، نارسایی‌ها و حتی انحراف‌ها" ماست مالی کنند؟ تلویزیون مستضعفین برای نظام و برای سابقه انقلاب اسلامی خود هر داستانی را سر هم میکند اما سابقه "ضعف و نارسایی و انحراف" در پیمانکاریها علیه کارگران زیادی بیجا است.

پیمان کاری مصداق جنایت مستقیم کل حاکمیت طبقه سرمایه در ایران است و باید فوراً لغو شود و همه سابقه تاریخی آن در همه شرکای مستقیم و غیر مستقیم که برای آن عمر خریدند و از ضرب کارگران خارج کردند باید علنی شود.

سوم: نوکر صفتی و هنر پاپوش و سنبل پرونده امنیتی پیش ساخته علیه کارگران آگاه و رزمنده نزد ابواب جمعی شرکای تلویزیون مستضعفین تمامی ندارد. کسی هست به آقایان تفهیم کند، حالا نوبت خود شما با علم و کتل نظم و مسالمت است. جواب بدهید! این حکومت و نظام شما و سیاست کارگری حاکم است که باید جوابگو باشد. این چه وضعی است، درست وقتی کارگران حوصله شان سر می‌رود و کارفرما در هزیمت و فراری است، یک دو راهی تازه سر هم میشود؟ "ضعف و نارسایی و انحراف" طرف کارفرمایی هر چند هم با مزاج نرم و انعطاف پذیر و مسالمت و منظم "تلویزیون مستضعفین" سازگار باشد اما علم کردن "نظام تصمیم‌گیری و نهادهای مسئول تازه و یک «ترازوی» کذایی، اب هرزگی از سر مبارک ایشان بالاتر میبرد. این جزعیلات ربطی به مبارزه اقتصادی و ربطی به اعتراض و اعتصاب کارگران ندارد.

چهارم، شکسته نفسی "تلویزیون مستضعفین" با همه یال و کوپال نقیشت پلیسی – اسلامی در خلق اعتراضات سانتی مانند کارگری که در آن گویا صفوف کارگری در فضای آرام و خانوادگی در صفوف منظم مزین به تصاویر رهبر انقلاب با ماموران انضباطی از میان خود کارگران، در غیاب هر نشانی از ناگهانی و هیجانی؛ نه زیاده خواهانه و نه ساختار شکنانه، دقیقا در همان چهارچوب لجنزار موجود، دقیقا در همان چهارچوب باب طبع کارفرما در "ادامه همان مطالبات معوقه و اجرایی نشده"، منطبق با دستورات حراست شعبه عسلیوه ... همگی داستان کودکانه سر هم شده و بیشتر از آن شور است که بازی گرفته شود.

اما با همه این توصیفات لازم به توضیح نیست که هارت و پورت ضد کارگری متن "مستضعفین" فقط اعلام پایان فواید تلویزیون کذایی در پارس جنوبی است. پارس جنوبی آنجا ایستاده است که با تکیه به تنه اصلی رادیکال و کارگری حق طلب و نه "مستضعف" خود، تنها راه به جلو را در پیش بگیرد.

بیستم آبان و هجدهم آذر دو اجتماع بزرگتر از کارگران نفت سراسر کشور در اجتماعات بزرگ تاریخی عمارت پاستور و بهارستان را در محاصره گرفتند تا همان پیام کارگران پارس جنوبی را در بالاترین سلسله مراتب تالار تصمیم گیری تقویت کنند و به کرسی بنشاند.

دلقک های متخصص التماس اقتصادی کارگری را باید بحال خود گذاشت.

ورق بر میگردد. همه جا از لغو فوری پیمان کاری و تعیین تکلیف حقوق ها میگویند و میبویسند و فریاد میزنند. دیگر از اجتماع پنج هزار کارگردر پارس جنوبی تا اعتراض و اعتصاب متحد صدها هزار کارگر در سراسر جنوب نفت و گاز برای لغو فوری پیمانکاریها بیشتر از یک اراده متحد رهبران کارگری باقی نیست.

سمینار "زنان فلسطین علیه خشونت مبارزه میکنند"

برگزار شد

«جبهه متحد کارگری در دفاع از مردم فلسطین»، سمیناری دیجیتال با عنوان "زنان فلسطین در مواجهه با خشونت پایداری میکنند" برگزار کرد. این مراسم در چارچوب کارزار همبستگی بین المللی با زنان فلسطینی صورت گرفت که در پی سیاستهای اشغالگرانه اسرائیل، با اشکال فزاینده ای از خشونت و نقض حقوق مواجه هستند.

دبیرکل جبهه متحد کارگری، «سمیر عادل»، در سخنرانی افتتاحیه خود تأکید کرد که زن فلسطینی در خط مقدم مقابله با بی عدالتی ناشی از اشغال ایستاده و بار معضلات مضاعف اجتماعی، اقتصادی و روانی را تحمل میکند. او بر ضرورت ایجاد یک سیستم حمایت بین المللی برای حفاظت از زنان و تقویت پایداری آنان، و همچنین بر اهمیت نقش مؤثر اتحادیه ها و سازمانها و جنبش کارگری در افشای جنایات اشغالگران اسرائیل علیه زنان فلسطینی تأکید کرد.

پس از سخنرانی، فیلمی به نمایش درآمد که مروری مستند بر انواع خشونت و نقض حقوق روزمره علیه زنان فلسطینی توسط اسرائیل داشت؛ از جمله بازداشتها، یورشها، تخریب خانه ها و آوارگی اجباری، و نیز تأثیر شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی تحمیل شده بر جامعه فلسطین.

سپس «دنیا عبدالله»، وکیل و نماینده بخش حقوقی «اتحاد مبارزه کارگران فلسطینی» از نوار غزه، در سخنانی به چالشهای قانونی پیش روی زنان اشاره کرد و بر اهمیت تأمین فوری حمایت قانونی از آنها، به ویژه در شرایط تداوم تجاوزات اسرائیل و عدم وجود مکانیسمهای واقعی برای پاسخگویی اشغالگران تأکید نمود.

در ادامه، «سحر عبیدو»، عضو دفتر اجرایی «اتحاد مبارزه کارگران فلسطینی» و دبیر بخش زنان شاغل، بر ضرورت ارتقای آگاهی اجتماعی درباره حقوق زنان کارگر تأکید کرد و نقش اتحادیه های کارگری در دفاع از حقوق زنان و تقویت مشارکت اتحادیه های آنان را برجسته ساخت.

«سعاد براهمه»، رئیس انجمن مراکشی حقوق بشر، نیز در سخنرانی خود به جایگاه مسئله فلسطین در نظام حقوق بین الملل پرداخت و بر کنوانسیونها و معاهداتی که حمایت از زنان را تضمین میکنند، نور افکند. او تأکید کرد که مسئولیت حمایت از زنان فلسطینی، مسئولیتی مشترک انسانی و بین المللی است.

«سمیره بوهیه»، معاون دبیرکل متحد جبهه کارگری در دفاع از مردم فلسطین، با تسلط بخشهای مختلف این مراسم را اداره کرد. او در معرفی شرکت کنندگان تأکید کرد که همبستگی بین المللی با زنان فلسطینی، عاملی قدرتمند در مقابله با سیاستهای اشغال است.

این مراسم با مشارکت گسترده نمایندگان جنبشهای کارگری، اتحادیه ها و جنبشهای اجتماعی از چندین کشور، همراه با شخصیتهای حقوق بشری و فمینیستی عربی و بین المللی برگزار شد. در ضمن مجموعه ای از اظهار نظرات ارائه شد که همگی از مبارزات زنان فلسطینی حمایت کرده و خشونت سیستماتیک علیه آنان را محکوم کردند و بر وحدت طبقه کارگر در مقابل اشغال، بهره کشی و ستم اعمال شده بر مردم فلسطین تأکید داشتند.

در پایان مراسم، مجموعه ای از توصیه ها و پیشنهادها اعلام شد که به دبیرخانه جبهه متحد کارگری ارائه خواهد شد تا در جلسه آینده مورد بحث قرار گیرد و مکانیسمهای اجرایی مربوط به آن تصویب شود. این اقدام در راستای تقویت همبستگی بین المللی و حمایت از حقوق زنان در فلسطین در مقابله با همه اشکال خشونت است.

جبهه متحد کارگری برای دفاع از مردم فلسطین

۹ دسامبر ۲۰۲۵

در همبستگی با مدافعان مردم فلسطین که در زندانهای بریتانیا

زندانی شده اند

نزدیک به ۲ هزار نفر در بریتانیا به دلیل مخالفت با نسل کشی و دفاع از حقوق مردم فلسطین زندانی شده اند. این افراد تحت قوانین جدیدی که با شتاب تدوین شده اند به زندان افتاده و با برجسب «تروریست» معرفی شده اند. نگهداشتن این افراد بیش از یک سال در بازداشت موقت، بدون برگزاری دادگاه یا حتی یک جلسه رسیدگی قضایی، صرفاً نشانه ای از فروپاشی روند قضایی بریتانیا نیست، بلکه گواهی روشن دیگری بر میزان عزم دولت بریتانیا برای حفظ همکاری خود با دولت اسرائیل علیه هر کسی است که از مردم فلسطین دفاع می کند.

اکنون ۴۰ روز از آغاز اعتصاب غذای زندانیان می گذرد. این اقدام، یکی از سازمان یافته ترین، هماهنگ ترین و قهرمانانه ترین کنشهای سرپیچی و اعتراض علیه همکاری فعال دولت بریتانیا با دولت اسرائیل و تولیدکنندگان تسلیحات به شمار می آید. در حالی که وزیر دادگستری بریتانیا تا هفته گذشته مدعی «بی اطلاعی از اعتصاب کنندگان غذا» بود، اعتراضات گسترده مردمی در شهرها و مناطق مختلف کشور، سانسور و سکوت رسانه های رسمی را در هم شکست و دولت بریتانیا را وادار کرد به ارائه کمک های فوری درمانی به زندانیانی که اعتصاب غذا کرده اند، تن دهد.

ما، «جبهه متحد کارگری برای دفاع از مردم فلسطین»، همبستگی کامل خود را با این زندانیان اعلام می کنیم و خواستار آزادی فوری آنان هستیم. ما همکاری دولت بریتانیا با دولت اسرائیل را محکوم می کنیم. شرم آور است که دولت بریتانیا دفاع از مردم فلسطین را «اقدام تروریستی» می نامد، اما نسل کشی و پاکسازی قومی در حال تداوم که توسط دولت اسرائیل انجام می شود را نادیده می گیرد.

ما در کنار اعتصاب کنندگان غذا و مطالبات آنان می ایستیم: لغو اتهامات تروریستی، پایان دادن به آزار و پیگرد کسانی که از مردم فلسطین دفاع می کنند، و توقف فوری همکاری مجرمانه دولت بریتانیا با دولت اسرائیل.

جبهه متحد کارگران برای دفاع از مردم فلسطین

۱۹ دسامبر ۲۰۲۵

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)، سنگر

اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی شما است.

به این حزب بپیوندید!



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سردبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سردبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

زرادخانه فرهنگی و اخلاقی
بورژوازی علیه آزادی و رهایی
انسان عظیم و خیره کننده است.
بخشی از این ابزارها از اعصار کهن
به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز
جامعه بورژوایی نوسازی و بازسازی
شده اند.

ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف
و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم
پرستی، نژادپرستی، مردسالاری،
همه و همه حربه های فکری و
فرهنگی طبقات حاکمه در طول
تاریخ برای خفه کردن و سربزیر
نگاهداشتن توده کارکن جامعه
بوده اند. همه اینها در اشکال نوین
و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در
خدمت مصون داشتن مالکیت و
حاکمیت بورژوایی از تهدید
آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و
مردم تحت استثمار قرار دارند.

برنامه یک دنیای بهتر